

نمایش‌های بخش مسابقه تئاتر خیابانی معرفی شدند



هیات انتخاب بخش مسابقه تئاتر خیابانی ۷ نمایش را برای حضور در بخش مسابقه و ۲ نمایش را برای بخش جنبی معرفی کرد. سید فاتح بادپروا، مهدی قلعه و مزدک مهیمنی، اعضا هیات انتخاب بخش مسابقه تئاتر خیابانی با بررسی آثار راه یافته به جشنواره بیست و پنجم، هفت نمایش را برای اجرا در بخش مسابقه و دو نمایش را برای اجرا در بخش جنبی انتخاب و معرفی کردند.

نمایش‌های راه یافته به بخش مسابقه به شرح زیر معرفی شده‌اند:

- نمایش «جادوی گل سرخ» نوشته و کارگردانی پژمان شاهوردی از بروجرد

- نمایش «دوباره» نوشته و کارگردانی

مرجان مهرمنش از همدان

- نمایش «کتاب قدیمی پدر بزرگ» نوشته

و کارگردانی نرگس خاک‌کار از تهران

- نمایش «گوجی و وو جی» نوشته و

کارگردانی حمیدرضا رضایی مجد از همدان

- نمایش «وارش» نوشته محمد جعفری با

کارگردانی مریم مهدی‌پور از کیانشهر

- نمایش «یه خال سر بنیشیم» نوشته و

کارگردانی محسن پورنظری از رودسر

- نمایش «رویای درون کودک» نوشته

زهره میردی سا کارگردانی زهره قاسمی از

تهران

نمایش‌های بخش جنبی نیز شامل دو نمایش «بازی در بازی» نوشته مسعود براهمی با کارگردانی مشترک دلارام ترکی و مسعود براهمی از اصفهان و «درباره یک توپ» نوشته و کارگردانی موسی هدایتی از سنجند هستند. بیست و پنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان با دبیری مریم کاظمی از ۲۹ آبان تا ۱۴ آذر ۱۳۹۷ با میزبانی استان همدان برگزار می‌شود.

■ ■ ■

چهره غیر فرهنگی تئاتر شهر در تهاجم بساط دست فروشان



نادر برهانی مرند دبیر جشنواره با دکتر نصراله آبادیان شهردار منطقه ۱۱ دیدار و گفت‌وگو کرد.

در این دیدار نادر برهانی مرند به مساله فضای اطراف تئاتر شهر اشاره کرد که با وجود بساط دست‌فروشان چهره‌ای کریه و غیر فرهنگی به خود گرفته است. برهانی افزود: ما دوست نداریم نگاه میهمانان خارجی حتی مهمانان ملی به مهمترین پایگاه تئاتری کشور، شکل بدی داشته باشد. اگر هم قرار است بساطی باشد بساط فروش کالا‌های فرهنگی باشد.

دکتر نصراله آبادیان گفت: اگر امروز وضعیت تئاتر شهر به این شکل است به دلیل سیاست‌گذاری‌های غلط گذشته است. مطالعات زیادی در این زمینه صورت گرفته است که پروژه مرمت و پیرایش محیط اطراف تئاتر شهر انجام بشود یا نه؟ در این زمینه باتک تک زبردخل‌ها و کنشگرهای محله صحبت شده است. ما به دنبال انجام کار اساسی برای این منطقه و اطراف تئاتر شهر بودیم و بالاخره موفق شدیم در این باره به نتیجه برسیم. بعد از سه سال تحقیق و بررسی و جلسات متعدد این پروژه به سمت اجرایی شدن پیش می‌رود، و هم اکنون در حال مرمت و پیرایش ساختمان‌های اطراف تئاتر شهر و تالار وحدت هستیم. این کار از جنس باز زنده سازی است، یعنی بازطراحی محیطی که در گذشته خلق شده و احتیاج به بازنگری دارد. این پروژه می‌تواند بزرگ‌ترین و موثرترین پیروژه کابلدی از جنس مداخلات در بافت‌های فرهنگی بعد از انقلاب باشد. به همین دلیل همت بزرگی برای انجام آن لازم و نیازمند زمان است.

و هم چنان سلبریتی‌ها و هم چنان سوءاستفاده در عرصه هنر

یک نمایش رادیویی در سالن سمندریان

این نمایش، بازیگران چهره‌هایی –سلبریتی– دارد. بازیگرانی که اگر در این نمایش حضور نداشتند، هم اتفاق خاصی برای نمایش اصغر دشتی نمی‌افتاد، نقش‌ها آن قدر جان دار و پرتحرک و عمیق نبودند که بگوییم هر بازیگری نمی‌توانست از عهده آن برآید. پس چهره‌های نمایش، صرفاً در این جا حضور دارند تا تماشاگر که بازی این چهره‌ها را دوست دارد و قبلاً آن‌ها را محک زده است، برای تماشا ببیند.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

نمایش: نام‌برده
نویسنده: کیوان سررشته
طراح و کارگردان: علی اصغر دشتی

بازیگران: آتیلا پسیانی، نگار جواهریان، یانته آپناهی‌ها، علی‌باقری، اصغر پیران، رامین سیار دشتی، ایلناز شعبانی، حمیدحبیبی‌فر

نمایش درباره چیست؟

اصغر دشتی برای شرکت در یک فستیوال، به سن پترزبورگ می‌رود؛ از قضا ایده خوبی هم دارد. این‌که نمایشش را در خیابان‌های شهر اجرا کند و مردم همراه بازیگران، به هر جا که آن‌ها می‌روند، بروند و نمایش را این‌طوری دنبال کنند. قرار بوده این نمایش با تعدادی تلویزیون بزرگ در نقاط مختلف شهر هم پخش شود؛ طبعاً به صورت زنده، قرار بوده دوربین همراه بازیگران و تماشاگران، در حرکت باشد و هر لحظه را ثبت کند. اما به دلایل مختلف، و یابیه‌پانه‌های مختلف، بعد از چانه‌زنی‌های فراوان و کوتاه آمدن‌های مداوم دشتی، ایده این استعداد جوان نادیده گرفته می‌شود و نمایش اجازه اجرایی نمی‌گیرد.

دشتی دلش از این ماجرا خیلی پر است. آن‌قدر پر است که نتوانسته آن

را بعد از بیست سال، نه فراموش کند و نه به مادرش بگوید. آن قدر پر است که می‌خواهد در حرکتی آوانگارد، آن‌را با تمام جهان در میان بگذارد. برای همین، برای یک درد دل گفتن و باز کردن سر زخمی بیست ساله، صحنه‌ای شلوغ و پرمطراق تدارک می‌بینند و مردم را برای دیدن زخمش و چشیدن دردش، دعوت می‌کند. البته برای این دعوت شما باید هزینه هم بپردازید!

این نمایش، بازیگران چهره‌های –سلبریتی– دارد. بازیگرانی که اگر در این نمایش حضور نداشتند، هم اتفاق خاصی برای نمایش اصغر دشتی نمی‌افتاد، نقش‌ها آن قدر جان دار و پرتحرک و عمیق نبودند که بگوییم هر بازیگری نمی‌توانست از عهده آن برآید. پس چهره‌های نمایش، صرفاً در این جا حضور دارند تا تماشاگر که بازی این چهره‌ها را دوست دارد و قبلاً آن‌ها را محک زده است، برای تماشا ببیند. حضور آتیلا پسیانی به عنوان «کمرامن» و «گورباچف»، حضور نگار جواهریان، به عنوان کمک راوی و صحنه گردان، حضور پناهی‌ها، در نقش مادر دشتی، حضورهایی کاملاً بی‌تأثیرند. شما می‌توانید به جای هر کدام از این چهره‌ها، یک بازیگر دیگر بگذارید و همین نتیجه را بگیرید.

داستان فقط یک درد دل کهنه است؛ استعدادی که ناپیده گرفته شده. اما این درد گویا بر دشتی بسیار سنگین آمده، یک جوری انگار به او پرتخورده باشد. و حالا با این نمایش و با استفاده –هنوز نمی‌گوییم سوءاستفاده– از چهره‌های عرصه نمایش، می‌خواهد و جیبی جهانی به درد خود بدهد؛ استعداد‌ها ناپیده گرفته می‌شوند! اما...

اول: سخن آخر!

اصلاً آقای دشتی قبول که شما کارگردان خوبی هستید. قبول که گاهی ایده‌های خوبی هم دارید، اما ریختن یک محتوای شخصی در فرمی که ادعاهای آوانگاردی در خود دارد، به چه معناست؟ آقای دشتی، مشکلات شخصی شما به من تماشاگر چه ربطی دارد؟!

ادامه بدهیم

ارتباط دادن یک فروپاشی شخصی، پذیرفته‌نشدن ایده‌نمایشی یک جوان جویای نام، با فروپاشی شوروی سابق، با نقش گورباچف در این فروپاشی، چه معنایی دارد؟ آیا مردم شوروی پس از این فروپاشی، بدبخت شده‌اند، یا به استقلال دست یافته‌واز یک زندان بزرگ رها شده‌اند؟ می‌خواهید بگویید فروپاشی دشتی بعد از پذیرفته‌نشدن ایده‌اش در سن پترزبورگ، به

اصلا کار خوبی نیست که این روزها، چهره‌های کم‌رونق شده عرصه نمایش و سینما، به هر دلیلی حاضر می‌شوند در چنین بازی‌هایی وارد شده، و از احساسات، هزینه مادی و زمان تماشاگران مشتاق سوءاستفاده کنند

همان اندازه فروپاشی شوروی سابق، مصیبت‌بار و فاجعه آمیز بود؟ برای همین تماشاگر را به واسطه چهره‌ها، به سالن سمندریان می‌کشید که گویید: آ‌ی ملت من به فنا رفته‌ام... من یک استعداد نادیده گرفته شده‌ام؟ آیا می‌خواهید درد نادیده گرفته شدن خود را تعمیم بدهید به همه استعدادهایی که ناپیده گرفته شده‌اند؟ خوب این راهمه‌م‌ای ندانیم. جویای نام، با فروپاشی شوروی سابق، بعد اجرای شما، در همان ساعت و

روی همان صندلی‌ها، استعدادهایی نشسته‌اند که با چشمان گشادو خیره، شبه نمایش شما را تماشا کرده‌اند و با خود گفته‌اند: خوب اگر داستان این است، من باید چه گلی به سرم بگیریم؟ منی که اگر نمایش و ایده‌ام

را بر دارم و ببرم پیش خود همین دشتی، معلوم نیست که اصلاً مرا به اتاقش راه بدهد، این دشتی که برای گفتن یک مسئله شخصی دارد از این چهره‌ها، سوءاستفاده می‌کند تا مردم را به نام آن‌ها و به کام خودش، به سالن نمایش بکشاند! نه... اصلاً کار خوبی نبود. اصلاً کار خوبی نیست که این روزها، چهره‌های کم رونق شده عرصه نمایش و سینما، به هر دلیلی حاضر می‌شوند در چنین بازی‌هایی وارد شده، و از احساسات، هزینه مادی و زمان تماشاگران مشتاق سوءاستفاده کنند. قرار نیست هنرمندان مشهور ما در کساد بازار هنر که تابعی است از اوضاع اقتصادی امروز جامعه، در یک همدستی نامبارک، تماشاگر را برای شنیدن درد دل شخصی یک کارگردان، به سالن بکشانند و او را مغیوب و از زده به خانه برگردانند.

یک آوانگارد جانیفتاده

وارد سالن که می‌شوی، نوازنده دارد با کیبوردش چیزی می‌نوازد، و یک نقاش، گرافیتی داستانی را که قرار است پنج نفر بعد به همراه خود دشتی شرح دهند، روی دیوار نقاشی می‌کند. پناهیان روی یک چرخ گردان، در کنار یک چرخ خیاطی قدیمی نشسته است و دور سالن می‌رود و می‌آید. کمرامن که پسیانی باشد، مدام دوربین را جابه‌جا و روی صورت بازیگران زوم می‌کند؛ و تصویر روی دیوارهای سالن می‌افتد؛ احتمالاً این همان امکانی بود که در سن پترزبورگ، از دشتی دریغ شد: او به بینید! آن‌ها همین امکان را هم به من ندادند! خوب قبول بفرمایید که اوضاع بسیار گیج و وسردرگم کننده است: در این صحنه شلوغ سه‌بازیگر در یک مربع که نمادی است از «تئاتر کوچک» که پدر جواهریان از بنیان‌گذارانش بود، مدام در یک صندلی بازی گیج کننده با کف زدن‌های جواهریان، جابه‌جامی شوند و نقش عوض می‌کنند: مدام دشتی می‌شوند، مترجم می‌شوند، مسئول فستیوال می‌شوند. مترجم دارد کدام زبان را به کدام زبان ترجمه می‌کند؟ خوب فارسی را به فارسی بر می‌گرداند. گاهی هم خود دشتی به صحنه می‌آید و با پسیانی گورباچف مصاحبه می‌کند: آیا از کاری کرده پشیمان است؟ نقش پلستسین این وسط چه بود؟ آیا بعد از این همه سال، توانسته آن ماجرا را فراموش کند؟ آیا هر شب به آن فکر می‌کند؟

نفرم نه، محتوا،

نه‌اندیشه‌ورزی

دشتی می‌گوید خواسته است

آقای دشتی قبول که شما کارگردان خوبی هستید. قبول که گاهی ایده‌های خوبی هم دارید، اما ریختن یک محتوای شخصی در فرمی که ادعاهای آوانگاردی در خود دارد، به چه معناست؟ آقای دشتی، مشکلات شخصی شما به من تماشاگر چه ربطی دارد

شکلی از نمایش مستند را در این بازی ارائه بدهد. نمایشی که در زبان و حرکت، یک اتفاق واقعی را به صورتی رئال روایت می‌کند، اما پرسش‌هایم از پی‌هم می‌آیند: چرا باید بازیگران لباس‌های دوران قاجار را بپوشند؟ چرا باید جواهریان چادر پیچیده و روبنده بزنند؟ این جا چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ اگر روایت مال بیست سال پیش است، اگر داستان، اتفاق دردناک غیر قابل فراموش کردنی است که بر دشتی رفته است، قاجارها این وسط چه کاره‌اند؟

آیا این نوعی فرافکنی و درهم ریختگی زمانی است که دارد ممیزی را دور می‌زند؟ این که بگوییم همه چیز، هر اتفاقی که در این سال‌ها برای هنر افتاده، مال دوران‌های خیلی گذشته است و ربطی به امروز و مسائلش و مسئولانش ندارد؟ یعنی باید واقعیت نادیده شدن استعدادها را هم جوری نمایش بدهیم که به تریج قبای کسی بر نخورد؟ یعنی اوضاع ممیزی ما این قدر خراب است که دشتی ناچار شده، روایتش را در فرمی غیر از زمان حاضر بریزد؟ یعنی فروپاشی اصغر دشتی و استعدادش در سن پترزبورگ، آن قدر «مساله‌دار» است که باید در لفافه گورباچف، پلستسین، لباس‌های قجری و... گفته شوند؟! این ژان لسوک گذار است که می‌گوید: در هنر اندیشه‌ورز، محتوا از پی‌فرم می‌آید. اگر همین را ملاک و معیار بگیریم باید بگوییم که با چنین فرمت و ابزار و اکسسواری که دشتی به صحنه آورده و روی ذهن تماشاگر تلنبار کرده، چیزی از اندیشه‌ورزی باقی نمی‌ماند و اگر ماجرا، ارائه یک نمایش مستند است، خوب این همه‌دم و دستگاه لازم نبود، فقط «صدا» کافی بود. در ست است در نهایت می‌خواهیم به این جابرسیم که با این همه آشفتگی صحنه و شلوغی، کار دشتی صرفاً یک نمایش رادیویی بود.



مشخص شدن نحوه اجرای برنامه‌های مشارکتی بنیاد با نهادهای مختلف دولتی و غیر دولتی در جشنواره‌ها و دیگر رویدادها، روشن شدن معیارهای بنیاد رودکی برای میزان ارائه تخفیف، تدوین آیین‌نامه‌ای قانون‌مند برای پرداخت‌ها و ضوابط اعطای تخفیف، مشخص شدن آیت‌های حمایتی و اعلام رسمی ضوابط تخفیف به گروه‌ها و هنرمندان متقاضی اجرا در تالارهای رودکی، وحدت، حافظ، فردوسی و برج آزادی مهم‌ترین نکاتی است که مدیران بنیاد رودکی می‌توانند عملی‌کنند

هنرمندان بتوانند بر اساس آن ضوابط از میزان تخفیف در نظر گرفته شده اطلاعاتی در اختیار داشته باشند، ولی درباره آنها اطلاع‌رسانی نمی‌شود؟ چه تفاوتی میان آن گروه با هنرمندی که به صورت رایگان یا در قالب تخفیف ۵۰ درصدی اجاره بهای سالن، تالار مورد نظرش را در اختیار گرفته با گروهی که از تخفیف ۲۰ درصدی برخوردار شده است، وجود دارد؟ انتشار ضوابط حمایتی بنیاد رودکی در مواجهه با رباب‌رجوع که عمدتاً متمرکز بر تهیه کنندگان و هنرمندان فعال حوزه‌های تئاتر و موسیقی است،

گروه‌ها از سوی بنیاد فرهنگی هنری رودکی که زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است امر پسندیده‌ای است که در صورت استمرار می‌تواند در بهبود فرآیند تولید، بازاریابی و فروش محصولات در حوزه تئاتر و موسیقی نقش بسیار موثری ایفا کند، اما اینکه چرا آیین‌نامه یا ضوابط مکتوبی برای این موضوع وجود ندارد خود مساله

ابهام‌برانگیزی است که ضرورت دارد مدیران این نهاد فرهنگی هنری درباره آن توضیح دهند. فقدان شفافیت جامع از سوی بخش مالی بنیاد فرهنگی هنری رودکی درباره نحوه اعطای درصد تخفیف به آثار به صحنه رفته در تالارهای رودکی، حافظ و وحدت پدیدآورنده ابهاماتی است چون: آیا برخی از روابط شخصی تهیه‌کنندگان و صاحبان آثار با مدیران بنیاد است که می‌تواند میزان و معیار تخفیف‌ها را مشخص کند؟ آیا ضوابط قانون‌مند و تدوین شده‌ای در چارت تشکیلاتی بنیاد رودکی وجود دارد که گروه‌ها و

نیز به غیر از هزینه حقوق و دستمزد قریب به ۲۳۰ پرسنل این بنیاد و هزینه‌های پشتیبانی و جاری است که از مابقی مبلغ سرجمع منابع، هزینه شده است. البته هزینه دستمزد اعضای ارکستر هم در هزینه‌های عنوان شده منظور شده است. اما یکی از نکاتی که در بحث‌های مالی این بنیاد مغفول است موضوع اعطای تخفیف اجاره بهای سالن در سال ۹۶ به گروه‌ها و هنرمندان در بخش‌های تئاتر و موسیقی از سوی بنیاد فرهنگی هنری رودکی است. در حال حاضر ضوابط حمایت‌های بنیاد رودکی در مواجهه با هنرمندان برای ارائه تخفیف در اجاره سالن به صورت رسمی منتشر نشده و مشخص نیست که این گروه‌ها بر اساس چه آیین‌نامه یا ضابطه‌ای از تسهیلات تخفیف برخوردار شده و می‌شوند و اساساً این تخفیف چگونه است و شامل چه کسانی می‌شود.

به طور حتم اعطای تخفیف به هنرمندان و

یکی از مسائلی که عملکرد بنیاد رودکی را با ابهام مواجه می‌کند نبود ضوابط مشخص و به دسترس در زمینه اعطای تخفیف‌های مالی به گروه‌های موسیقی و تئاتر متقاضی اجراء سالن‌های این بنیاد است.

چندی پیش بنیاد فرهنگی هنری رودکی در راستای سیاست‌های ابلاغی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، گزارش عملکرد مالی سال ۹۶ خود را به تفکیک بخش‌های مختلف در قالب یک بسته منتشر کرد. در این بسته میزان منابع مالی بنیاد فرهنگی هنری رودکی به عنوان نهاد عمومی غیردولتی در سال ۱۳۹۶ مبلغ ۲۵۹ میلیارد ریال بوده است که از ردیف‌های پیش‌بینی شده در بودجه سالانه کشور (زیرمجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) مبلغ ۱۸۰ میلیارد ریال به این بنیاد تخصیص یافته است. مبلغ ۷۹ میلیارد ریال در آمد اختصاصی بنیاد در سال ۹۶ بوده است ضمن اینکه صورت‌هزینه‌های مندرج در بسته

ضرورت انتشار ضوابط حمایتی؛

ابهام در ضوابط اعطای تخفیف در بنیاد رودکی